

بازاندیشی مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی

چکیده

تحولات ناشی از هوش مصنوعی، داده‌محوری و شکل‌گیری جامعه الگوریتمی، مفهوم پیشرفت را با چالش‌های نظری جدیدی مواجه ساخته است. مسئله پژوهش آن است که مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی چگونه بازتعریف می‌شود. هدف پژوهش، بازاندیشی مفهوم پیشرفت اسلامی و ارائه چارچوبی مفهومی برای تبیین نسبت میان ارزش‌های اسلامی و فناوری‌های هوشمند است. روش پژوهش از نوع بنیادی، با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون بازتابی بر اساس تحلیل اسنادی و تحلیل مفهومی است. داده‌ها از قرآن کریم، نهج‌البلاغه، روایات، صحیفه امام خمینی (ره)، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و منابع علمی معتبر گردآوری شد. مهم‌ترین یافته‌ها نشان داد که پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی بر شش مضمون فراگیر شامل پیشرفت انسان‌محور، عدالت‌محور، اخلاق‌محور، پیشرفت فناورانه هدایت‌شده، حکمرانی هوشمند اسلامی و تمدن‌سازی استوار است و هوش مصنوعی در این چارچوب، ابزار تحقق عدالت، کرامت انسانی و استقلال تمدنی محسوب می‌شوند. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که تحقق پیشرفت اسلامی در عصر هوشمند مستلزم هدایت ارزشی فناوری، حکمرانی مسئولانه بر داده و الگوریتم‌ها و تقویت استقلال علمی و فناورانه است. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوب مفهومی «پیشرفت فناورانه هدایت‌شده» به‌عنوان مبنای حکمرانی هوشمند اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت اسلامی، جامعه الگوریتمی، هوش مصنوعی، حکمرانی هوشمند اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

تحولات شتابان فناوری‌های دیجیتال، گسترش هوش مصنوعی، کلان‌داده‌ها و سکوها‌ی دیجیتال، زمینه شکل‌گیری «جامعه الگوریتمی»^۱ را فراهم کرده است؛ جامعه‌ای که در آن الگوریتم‌ها از سطح ابزارهای محاسباتی فراتر رفته و به سازوکارهای مؤثر در سامان‌دهی روابط اجتماعی، مدیریت اطلاعات، شکل‌دهی افکار عمومی و تصمیم‌سازی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده‌اند (مرادی بهمنی، ۱۴۰۴، ص. ۸۱). به باور بیر، الگوریتم‌ها به قدرتی اجتماعی بدل شده‌اند که الگوهای تعامل و حکمرانی را بازآرایی می‌کنند (Beer, 2017, p. 3). زوبوف نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌داری نظارتی با بهره‌گیری از داده‌های رفتاری و الگوریتم‌ها، علاوه بر پیش‌بینی، رفتار انسان را هدایت و کنترل می‌کند (Zuboff, 2019, pp. 94-101). از این‌رو، جامعه الگوریتمی صرفاً یک تحول فناورانه نیست، بلکه دگرگونی در منطق قدرت، دانش و حکمرانی است که بازاندیشی مفهوم پیشرفت را ضروری ساخته است.

در چنین شرایطی، نظریه‌های متعارف توسعه با محدودیت‌های جدی مواجه شده‌اند؛ زیرا تأکید آن‌ها بر رشد اقتصادی، بهره‌وری و توسعه فناوری، پاسخگوی مسائل نوپدید هم‌چون حکمرانی داده، عدالت الگوریتمی، استقلال فناورانه، امنیت شناختی و کرامت انسانی نیست. همچنین، تجربه توسعه غربی نشان داده است که پیشرفت فناورانه بدون پشتوانه اخلاق و عدالت می‌تواند به نابرابری، انحصار اطلاعات، وابستگی دیجیتال و تضعیف استقلال فرهنگی و سیاسی بینجامد (Castells, 2010, pp. 370-378). از این‌رو، بازاندیشی مفهوم پیشرفت بر پایه مبانی ارزشی و انسان‌شناختی اندیشه اسلامی، ضرورتی نظری و تمدنی برای مواجهه فعال با اقتضائات جامعه الگوریتمی به شمار می‌آید.

اندیشه سیاسی اسلام، پیشرفت^۲ را بر پایه جهان‌بینی توحیدی، کرامت انسان، عدالت، علم، اخلاق و تعالی معنوی تعریف می‌کند و آن را به رشد اقتصادی یا پیشرفت فناورانه فرو نمی‌کاهد. قرآن کریم انسان را خلیفه الهی و مأمور آبادانی زمین و اقامه قسط معرفی می‌کند (قرآن کریم، هود: ۶۱؛ حدید: ۲۵). امام خمینی (ره) نیز پیشرفت را در گرو تحقق هم‌زمان استقلال، عدالت، معنویت، خودباوری و مشارکت مردم می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص. ۲۱۴). همچنین آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، علم، عدالت، معنویت، اخلاق، استقلال، مردم‌سالاری دینی و تمدن‌سازی را اجزای تفکیک‌ناپذیر پیشرفت معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). از این‌رو، اندیشه اسلامی ظرفیت آن را دارد که در مواجهه با جامعه الگوریتمی، خوانشی نو از پیشرفت ارائه کند که ضمن بهره‌گیری از فناوری، از تقلیل انسان به داده و الگوریتم جلوگیری کند. ضرورت این بازخوانی از آن روست که جامعه الگوریتمی اکنون حوزه‌های فرهنگ، آموزش، رسانه، امنیت، سیاست و حکمرانی را نیز دگرگون ساخته است. تصمیم‌گیری‌های عمومی، توزیع منابع، مدیریت افکار عمومی و سیاست‌گذاری‌های کلان به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر الگوریتم‌ها قرار دارند؛ از این‌رو، الگوی اسلامی پیشرفت باید نسبت خود را با مفاهیمی مانند حکمرانی داده، عدالت الگوریتمی، استقلال دیجیتال، امنیت شناختی، شفافیت و اخلاق هوش مصنوعی روشن سازد. در نتیجه، بازاندیشی مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی، افزون بر یک ضرورت نظری، ضرورتی تمدنی و حکمرانی برای مواجهه فعال با تحولات عصر هوشمند به شمار می‌آید.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش آن است که مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی چگونه بازتعریف می‌شود؟ در این راستا، پژوهش به بررسی مؤلفه‌های بنیادین پیشرفت اسلامی، پیامدهای جامعه الگوریتمی برای توسعه و حکمرانی، الزامات نوین پیشرفت اسلامی در عصر هوش مصنوعی و ارائه الگویی مفهومی برای پیشرفت اسلامی در جامعه الگوریتمی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع پژوهش، مطالعات متعددی انجام شده است. مرادی بهمنی (۱۴۰۴) در کتاب «جامعه الگوریتمی: بازاندیشی انسان و هوش در عصر هوشمند»، هوش مصنوعی و الگوریتم‌ها را پدیده‌هایی اجتماعی و قدرت‌ساز دانسته و بر شفافیت، عدالت الگوریتمی، سواد داده و حکمرانی انسان‌محور تأکید کرده است. همچنین، وی (۱۴۰۴) در مقاله «فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی هوشمند در ایران با تأکید بر تحول دیجیتال»، فرصت‌هایی همچون شفافیت، کارآمدی و مشارکت شهروندی و چالش‌هایی نظیر ضعف زیرساخت‌ها، موانع حقوقی و مخاطرات امنیتی را شناسایی کرده و بر بومی‌سازی حکمرانی هوشمند در ایران تأکید دارد. سهراب و همکاران (۱۴۰۳) نیز در مقاله «الگوی حکمرانی هوشمند در وضعیت بحران با تأکید بر مدیریت شهری در راستای سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران»، مهم‌ترین ابعاد حکمرانی هوشمند در شرایط بحران را شامل ارزیابی فنی، زیرساخت، فناوری، مدیریت، عوامل انسانی و پاسخ‌گویی معرفی کرده‌اند.

در حوزه مبانی نظری پیشرفت اسلامی، حسینی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل مضمون نظریه پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (زیدعزه) و مرزهای آن با نظریه‌های توسعه»، الگوی پیشرفت را مبتنی بر شریعت‌محوری، کرامت انسانی، بومی‌گرایی و دولت-ملت معرفی کرده‌اند. قاضی میرسعید و تاج‌آبادی (۱۳۹۵) نیز در مقاله «مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، سه مؤلفه قدرت درون‌زاه، اقتصاد دانش‌بنیان عدالت‌محور و اسلامی‌بودن پیشرفت را به‌عنوان ارکان این الگو استخراج کرده‌اند. همچنین خلیلیان و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام»، دینداری، علم و معرفت، کرامت و آزادی و تأمین معیشت را از مهم‌ترین معیارهای پیشرفت انسانی در اسلام دانسته‌اند. در همین راستا، عصاره‌نژاد دزفولی (۱۳۹۸) در مقاله «مبانی توسعه و پیشرفت از منظر قرآن و نهج‌البلاغه؛ شاخصه‌ها و اهداف»، پیشرفت اسلامی را مبتنی بر معنویت، تقوا و ارزش‌های اخلاقی معرفی کرده و آن را متمایز از الگوهای توسعه غربی دانسته است.

در حوزه حکمرانی و الگوی اسلامی پیشرفت، محمودی‌کیا (۱۴۰۱) در مقاله «نظریه‌ای برای فهم چیستی و چگونگی تحقق الگوی اسلامی ایرانی از حکمرانی مطلوب»، الگوی حکمرانی مطلوب را بر سعادت دنیوی و اخروی، مردم‌سالاری دینی، اسلام فقهاتی و نقد الگوی غربی استوار دانسته است. همچنین عطارزاده (۱۴۰۲) در مقاله «انقلاب اسلامی؛ تحقق الگوی اسلامی پیشرفت در همبستگی مبتنی بر عدالت»، نشان داده است که عدالت و همبستگی اجتماعی، با تقویت مشروعیت سیاسی و کارآمدی نظام، بستر تحقق الگوی اسلامی پیشرفت را فراهم می‌کنند.

در میان مطالعات خارجی، کاستلز^۱ (۲۰۱۰) در کتاب «جامعه شبکه‌ای»، نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات، ساختارهای قدرت، اقتصاد و ارتباطات را بر پایه منطق شبکه‌ای بازآرایی کرده و توسعه را بیش از هر چیز وابسته به تولید و گردش دانش

و اطلاعات می‌داند. فلوری‌دی^۱ (۲۰۱۴) نیز در کتاب «انقلاب چهارم: چگونه فضای اطلاعاتی، واقعیت انسانی را بازتعریف می‌کند»، با طرح مفهوم «زیست‌بوم اطلاعاتی»، پیامدهای هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال را بر هویت، اخلاق و ساختارهای اجتماعی تحلیل کرده و بر ضرورت بازاندیشی در مفهوم انسان و حکمرانی در عصر دیجیتال تأکید می‌کند.

همچنین، بیر^۲ (۲۰۱۷) در مقاله «قدرت اجتماعی الگوریتم‌ها»، الگوریتم‌ها را از مهم‌ترین اشکال قدرت در جوامع معاصر معرفی کرده و نشان می‌دهد که این فناوری‌ها فراتر از ابزارهای فنی، در هدایت تصمیم‌گیری، تعاملات اجتماعی و بازتولید قدرت نقش مؤثری دارند. زوبوف^۳ (۲۰۱۹) نیز در کتاب «عصر سرمایه‌داری نظارتی»، استدلال می‌کند که انباشت داده‌ها و سلطه الگوریتم‌ها، سازوکارهای جدیدی برای پیش‌بینی، کنترل و هدایت رفتار انسان ایجاد کرده و آزادی، حریم خصوصی و استقلال افراد را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد پژوهش‌های موجود در سه دسته جای می‌گیرند: دسته نخست بر مبانی نظری پیشرفت اسلامی و الگوی اسلامی-ایرانی تمرکز دارند اما به پیامدهای جامعه الگوریتمی نمی‌پردازند؛ دسته دوم تحولات هوش مصنوعی، حکمرانی دیجیتال و جامعه الگوریتمی را بررسی می‌کنند اما فاقد چارچوب تحلیلی مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام هستند؛ و دسته سوم به اخلاق فناوری یا حکمرانی هوشمند توجه دارند اما ارتباط نظام‌مند میان این مباحث و مفهوم پیشرفت اسلامی را تبیین نکرده‌اند. از این رو، خلأ اصلی ادبیات موجود، فقدان چارچوب مفهومی‌ای است که بتواند پیشرفت را در پرتو تحولات جامعه الگوریتمی و بر اساس مبانی اندیشه سیاسی اسلام بازتعریف کند. نوآوری پژوهش حاضر آن است که با تحلیل مضمون بازتابی و تلفیق تحلیل اسنادی با تحلیل مفهومی، برای نخستین بار مؤلفه‌های پیشرفت اسلامی را از منابع اصیل اسلامی و اسناد بالادستی استخراج و در نسبت با جامعه الگوریتمی بازتفسیر می‌کند و الگویی مفهومی و بومی ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری عمومی، حکمرانی هوشمند و مواجهه اسلامی با هوش مصنوعی باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بازاندیشی مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی در مواجهه با تحولات ناشی از جامعه الگوریتمی، از نوع بنیادی، با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی، تحلیل مفهومی و تحلیل مضمون بازتابی انجام شده است. از آنجا که مسئله پژوهش صرفاً شناسایی مؤلفه‌های پیشرفت نیست، بلکه در پی بازتعریف این مفهوم در پرتو تحولات فناوری‌های هوشمند و ارائه چارچوبی مفهومی برای تبیین نسبت میان اندیشه اسلامی و جامعه الگوریتمی است، روش‌های کمی توان پاسخ‌گویی به این مسئله را ندارند. پژوهش بنیادی با هدف توسعه دانش نظری و تولید چارچوب‌های مفهومی جدید انجام می‌شود و برای مطالعاتی که در صدد بازسازی مفاهیم و نظریه‌پردازی هستند، مناسب است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۷۴). همچنین، رویکرد کیفی امکان فهم عمیق لایه‌های معنایی متون، تفسیر مفاهیم و کشف الگوهای نظری را فراهم می‌آورد (Creswell & Poth, 2018, pp. 45-47).

در این پژوهش، تحلیل مفهومی^۱ به عنوان مکمل تحلیل اسنادی به کار گرفته شد تا مفاهیم بنیادینی مانند پیشرفت، عدالت، کرامت انسانی، فناوری، حکمرانی هوشمند و جامعه الگوریتمی از منظر معنایی و ارتباطات نظری بازخوانی شوند. تحلیل مفهومی امکان بازسازی مفاهیم در بسترهای معرفتی متفاوت و آشکار ساختن روابط میان آنها را فراهم می‌سازد (Goertz, 2006, pp. 27–30). بر همین اساس، روش اصلی تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون بازتابی^۲ بر اساس الگوی براون و کلارک انتخاب شد؛ زیرا این روش فراتر از طبقه‌بندی داده‌ها، فرآیندی تفسیری برای تولید و بازسازی مضامین نظری از طریق تعامل مستمر پژوهشگر با داده‌هاست (Braun & Clarke, 2021, pp. 328–330).

جامعه اسنادی پژوهش شامل منابع اولیه و ثانویه بود. منابع اولیه عبارت‌اند از: قرآن کریم، نهج البلاغه، روایات مرتبط با علم، عدالت، عمران و مسئولیت اجتماعی، صحیفه امام خمینی (ره)، بیانات و آثار آیت‌الله خامنه‌ای درباره پیشرفت، علم، فناوری و تمدن نوین اسلامی و نیز سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. منابع ثانویه نیز شامل کتاب‌ها و مقالات علمی معتبر داخلی و خارجی درباره توسعه اسلامی، جامعه الگوریتمی، هوش مصنوعی، داده‌محوری، جامعه سکویی و حکمرانی دیجیتال است. انتخاب این منابع با هدف ایجاد پیوند میان مبانی نظری پیشرفت اسلامی و ادبیات جدید فناوری‌های هوشمند انجام گرفت. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند^۳ و بر اساس نمونه‌گیری ملاکی^۴ صورت گرفت. معیارهای انتخاب اسناد شامل ارتباط مستقیم با مفهوم پیشرفت و توسعه، اعتبار علمی و نظری، قابلیت استخراج مضامین مرتبط با انسان، عدالت، فناوری و حکمرانی و نقش آنها در شکل‌دهی به ادبیات موضوع بود (Patton, 2015, pp. 264–265). این شیوه نمونه‌گیری امکان انتخاب منابعی را فراهم ساخت که بیشترین ظرفیت را برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش و تولید چارچوب مفهومی جدید داشتند. فرآیند تحلیل داده‌ها مطابق شش مرحله تحلیل مضمون بازتابی براون و کلارک انجام شد. در مرحله نخست، منابع منتخب به صورت مکرر مطالعه و داده‌ها با هدف آشنایی عمیق با مفاهیم مرور شدند. در مرحله دوم، کدهای اولیه مرتبط با پیشرفت، انسان، عدالت، اخلاق، فناوری، حکمرانی و تمدن استخراج گردید. در مرحله سوم، کدهای مشابه در قالب مضامین اولیه سازمان‌دهی شدند. در مرحله چهارم، مضامین بازبینی و انسجام درونی و تمایز میان آنها اوزیابی شد. در مرحله پنجم، مضامین نهایی تعریف و نام‌گذاری شدند و در نهایت، در مرحله ششم، مضامین در چارچوب اندیشه اسلامی و الزامات جامعه الگوریتمی تفسیر و به الگوی مفهومی پژوهش تبدیل شدند (Braun & Clarke, 2006, pp. 87–93).

برای افزایش استحکام علمی یافته‌ها، معیارهای چهارگانه اعتبارپذیری، اعتمادپذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری^۵ بر اساس دیدگاه لینکلن و گوبا رعایت شد. اعتبارپذیری از طریق مطالعه گسترده منابع، مقایسه مستمر داده‌ها و بازبینی مضامین، اعتمادپذیری با مستندسازی دقیق مراحل پژوهش، تأییدپذیری با اتکا به شواهد متنی و کاهش پیش‌فرض‌های پژوهشگر و انتقال‌پذیری با ارائه توصیف شفاف از زمینه پژوهش و فرایند تحلیل تأمین گردید (Lincoln & Guba, 1985, pp. 290–301). بدین ترتیب، روش‌شناسی پژوهش حاضر امکان استخراج نظام‌مند مضامین، بازتعریف مفهوم پیشرفت اسلامی

4. Conceptual analysis

1. Reflexive Thematic Analysis

2. Purposive Sampling

3. Criterion Sampling

4. Credibility, Dependability, Confirmability and Transferability

و ارائه چارچوبی مفهومی برای تبیین نسبت میان ارزش‌های اسلامی و الزامات جامعه الگوریتمی را فراهم ساخت. در جدول زیر فرایند استخراج مضامین به صورت خلاصه بیان شده است.

جدول ۱: فرایند استخراج مضامین در تحلیل مضمون بازتابی

مرحله تحلیل	خروجی پژوهش
جامعه اسنادی	۶ گروه اسناد اصلی اسلامی + منابع علمی معتبر داخلی و خارجی درباره جامعه الگوریتمی و هوش مصنوعی
کدگذاری اولیه	استخراج ۴۸ کد اولیه از گزاره‌های مرتبط با پیشرفت، عدالت، علم، فناوری، حکمرانی، کرامت انسان، استقلال و تمدن.
سازمان‌دهی کدها	ادغام کدها در ۹ مضمون سازمان‌دهنده شامل انسان، دانش، عدالت، اخلاق، فناوری، حکمرانی، استقلال، امت و عقلانیت.
بازبینی و پالایش	بررسی انسجام درونی مضامین و حذف یا ادغام کدهای هم‌پوشان.
تفسیر نهایی	استخراج ۶ مضمون فراگیر: پیشرفت انسان‌محور، عدالت‌محور، اخلاق‌محور، پیشرفت فناوریانه هدایت‌شده، حکمرانی هوشمند اسلامی و تمدن‌سازی.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

تحلیل مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی بر مبانی معرفتی، انسان‌شناختی و غایت‌شناختی اسلام استوار است. برخلاف نظریه‌های رایج توسعه که پیشرفت را عمدتاً با شاخص‌های اقتصادی و فناوریانه می‌سنجند، اسلام آن را فرآیندی جامع شامل ابعاد مادی و معنوی، فردی و اجتماعی می‌داند. قرآن کریم، نهج‌البلاغه و روایات، پیشرفت را در تحقق عدالت، آبادانی زمین، گسترش علم، تعالی اخلاق و شکل‌گیری جامعه صالح معنا می‌کنند. از این رو، بازاندیشی مفهوم پیشرفت در عصر جامعه الگوریتمی باید بر این مبانی استوار باشد تا ضمن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، کرامت و جایگاه انسان حفظ شود.

۱- **مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی:** اگرچه واژه «پیشرفت» با کاربرد امروزی در متون اولیه اسلامی به کار نرفته است، اما مفاهیمی همچون «عمران»، «استخلاف»، «اصلاح»، «فلاح»، «رشد»، «تزکیه» و «قسط» بنیان نظری آن را تشکیل می‌دهند. در اندیشه اسلامی، پیشرفت صرفاً رشد اقتصادی نیست، بلکه فرآیندی مستمر برای تعالی فرد و جامعه در پرتو هدایت الهی است که ابعاد مادی و معنوی را به طور هم‌زمان دربرمی‌گیرد. شهید مطهری نیز تأکید می‌کند که توسعه مادی تنها زمانی ارزشمند است که در خدمت رشد انسان و تحقق ارزش‌های الهی قرار گیرد؛ زیرا تمدنی فاقد عدالت، اخلاق و معنویت، هرچند از نظر فناوری پیشرفته باشد، جامعه‌ای متعالی محسوب نمی‌شود (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱۸).

قرآن کریم، پیشرفت را با مأموریت الهی انسان در آبادانی زمین پیوند می‌دهد. آیه «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) انسان را مسئول عمران و شکوفایی ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۴۷). همچنین، آیه «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) عدالت را هدف بعثت پیامبران و شرط اساسی پیشرفت می‌داند؛ از این رو، توسعه‌ای که به تبعیض و نابرابری بینجامد، از منظر قرآن پیشرفت حقیقی نیست (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۱۴۹). قرآن همچنین علم و تعقل را از ارکان پیشرفت معرفی می‌کند؛ چنان‌که آیاتی مانند «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ...» (زمر: ۹) و «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴) بر جایگاه دانش تأکید دارند. با این حال، علم و فناوری زمانی ارزشمندند که در خدمت هدایت، عدالت و کرامت انسانی قرار گیرند. بر همین اساس، فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی نیز زمانی با پیشرفت اسلامی سازگارند که در جهت مصالح عمومی و حفظ کرامت انسان به کار گرفته شوند. افزون بر این، اصل «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»

(اسراء: ۷۰) انسان را محور پیشرفت معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که توسعه باید در خدمت شکوفایی استعدادها و تأمین سعادت انسان باشد.

نهج‌البلاغه نیز پیشرفت را بر پایه عدالت، عمران، عقلانیت و مسئولیت اجتماعی تبیین می‌کند. امام علی(ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر، آبادانی سرزمین را بر گردآوری خراج مقدم می‌داند و توسعه اقتصادی را نتیجه حکمرانی عادلانه می‌شمارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص. ۸۶). همچنین تأکید ایشان بر شایسته‌سالاری، مشورت و رعایت حقوق مردم، نشان می‌دهد که حکمرانی مطلوب بر عدالت، پاسخگویی و عقلانیت استوار است؛ اصولی که در عصر جامعه الگوریتمی نیز می‌تواند مبنای حکمرانی داده و هوش مصنوعی قرار گیرند.

روایات معصومان(ع) نیز علم، بصیرت، کار و مسئولیت اجتماعی را از ارکان پیشرفت می‌دانند. پیامبر اکرم(ص) طلب علم را بر هر مسلمان واجب شمرده‌اند (ابن‌ماجه، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۸۱) و امام صادق(ع) عمل بدون بصیرت را عامل انحراف معرفی می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۴۳). همچنین، روایات اسلامی کار و تولید را در چارچوب عدالت و خدمت به جامعه ارزش‌گذاری کرده و آن را زمینه عزت و استقلال جامعه اسلامی می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص. ۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص. ۴۳).

در مجموع، آموزه‌های قرآن، نهج‌البلاغه و روایات نشان می‌دهد که پیشرفت در اندیشه اسلامی بر پنج مؤلفه بنیادین توحید و غایت‌مندی، کرامت و عاملیت انسان، عدالت اجتماعی، علم و عقلانیت و عمران و مسئولیت تمدنی استوار است. ازاین‌رو، پیشرفت اسلامی مفهومی چندبعدی و ارزش‌بنیاد است که رشد علمی و فناورانه را در کنار عدالت، اخلاق، استقلال و آبادانی جامعه دنبال می‌کند و ظرفیت نظری لازم را برای بازتعریف مفهوم پیشرفت در عصر جامعه الگوریتمی فراهم می‌آورد.

۲- پیشرفت در اندیشه امام خمینی(ره): در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، پیشرفت مفهومی جامع، انسان‌محور و ارزش‌بنیاد است که فراتر از توسعه اقتصادی، ابعاد معنوی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی را به‌صورت یک منظومه به‌هم‌پیوسته دربرمی‌گیرد. ایشان با نقد الگوهای توسعه غرب‌محور و وابسته، بر این باورند که پیشرفت حقیقی تنها زمانی تحقق می‌یابد که استقلال سیاسی و اقتصادی، هویت دینی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی به‌طور هم‌زمان حفظ و تقویت شوند. ازاین‌رو، توسعه‌ای که به وابستگی فرهنگی یا سلطه سیاسی بینجامد، هرچند از نظر اقتصادی موفق باشد، پیشرفت واقعی محسوب نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، صص. ۴۱۱-۴۱۳).

استقلال، یکی از بنیادی‌ترین ارکان پیشرفت در اندیشه امام خمینی(ره) است. ایشان وابستگی علمی، اقتصادی و سیاسی را مانع اصلی رشد جوامع اسلامی دانسته و خودباوری و اتکا به ظرفیت‌های داخلی را شرط پیشرفت پایدار معرفی می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، صص. ۲۰-۲۳). این دیدگاه در عصر جامعه الگوریتمی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا وابستگی به زیرساخت‌های داده‌ای و فناوری‌های خارجی می‌تواند شکل جدیدی از سلطه را ایجاد کند.

عدالت اجتماعی، رکن دیگر پیشرفت در اندیشه امام خمینی(ره) است. ایشان فلسفه تشکیل حکومت اسلامی را اقامه عدالت و حمایت از محرومان می‌دانند و معتقدند رشد اقتصادی زمانی ارزشمند است که به بهبود زندگی مردم، کاهش نابرابری‌ها و گسترش فرصت‌های برابر منجر شود. به تصریح ایشان، اسلام برای سعادت همه انسان‌ها، به‌ویژه مستضعفان، آمده است (امام

خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص. ۱۲۹). از این رو، پیشرفت همواره با عدالت، مسئولیت‌پذیری حکومت و توزیع عادلانه امکانات همراه است.

امام خمینی (ره) همچنین علم و فناوری را از ارکان پیشرفت می‌داند و دستیابی به مرزهای دانش را از وظایف جامعه اسلامی برمی‌شمارد. با این حال، پیشرفت علمی را مشروط به حفظ استقلال، اخلاق و هویت اسلامی می‌داند و تأکید می‌کند که فناوری باید در خدمت انسان و ارزش‌های الهی باشد، نه ابزاری برای سلطه قدرت‌های سیاسی و اقتصادی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، صص. ۶۴-۶۶). افزون بر این، از منظر انسان‌شناختی، هدف نهایی حکومت اسلامی را «ساختن انسان» می‌داند و بر این باورند که همه برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باید در خدمت تعالی اخلاقی و معنوی جامعه قرار گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص. ۲۵۵).

در عین حال، یکی از مفاهیم بنیادین در اندیشه امام خمینی (ره) که چارچوب نظری پیشرفت را تکمیل می‌کند، مفهوم جامعه توحیدی است. از منظر ایشان، غایت حکومت اسلامی صرفاً توسعه اقتصادی یا اقتدار سیاسی نیست، بلکه ایجاد جامعه‌ای است که همه مناسبات آن بر محور توحید، عدالت، کرامت انسان، آزادی مسئولانه و مشارکت مردم سامان یابد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۸۶-۱۸۸؛ ج ۱۵: ۲۰-۲۳). در این چارچوب، پیشرفت فرآیندی برای تحقق جامعه توحیدی است؛ جامعه‌ای که در آن علم، فناوری، اقتصاد و سیاست در خدمت رشد انسان و اقامه قسط قرار می‌گیرند. بر این اساس، تمدن نوین اسلامی را می‌توان نتیجه و برآیند تحقق جامعه توحیدی دانست، نه جایگزین آن. این برداشت، نسبت پیشرفت، حکمرانی و تمدن‌سازی را در اندیشه امام خمینی (ره) روشن‌تر می‌کند و مبنایی نظری برای مواجهه با اقتضائات جامعه الگوریتمی فراهم می‌آورد.

در مجموع، پیشرفت در اندیشه امام خمینی (ره) بر پنج مؤلفه استقلال، عدالت، خودباوری علمی، مردم‌محوری و تعالی معنوی استوار است. این مؤلفه‌ها ظرفیت نظری مناسبی برای بازتعریف الگوی پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی فراهم می‌آورند؛ الگویی که ضمن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بر استقلال فناورانه، عدالت، کرامت انسانی و حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تأکید دارد.

۳- **پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (ره):** در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، مفهوم «پیشرفت» یکی از مفاهیم محوری در تبیین مسیر حرکت جمهوری اسلامی ایران و تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می‌آید. ایشان با تفکیک میان «پیشرفت» و «توسعه» در معنای رایج غربی، معتقدند که پیشرفت اسلامی مفهومی چندبعدی است که علاوه بر رشد علمی، اقتصادی و فناورانه، ابعاد معنوی، اخلاقی، فرهنگی، عدالت اجتماعی و استقلال سیاسی را نیز شامل می‌شود. از این منظر، پیشرفت صرفاً افزایش تولید ناخالص داخلی یا دستیابی به فناوری‌های پیشرفته نیست، بلکه فرآیندی است که باید به تعالی انسان، ارتقای جامعه و تحقق ارزش‌های الهی منجر شود (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۹).

یکی از مبانی اساسی پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، انسان‌محوری توحیدی است. به باور ایشان، هدف اصلی نظام اسلامی، ساختن جامعه‌ای است که در آن انسان بتواند استعدادهای مادی و معنوی خود را در مسیر عبودیت و کمال شکوفا کند؛ بنابراین، علم، اقتصاد، فناوری و سیاست، ابزارهایی برای تحقق این هدف هستند و نه اهداف مستقلی که بتوانند جایگزین غایت انسانی پیشرفت شوند (مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۲، ص. ۲۷). این رویکرد، تفاوت

بنیادینی با برخی الگوهای توسعه مدرن دارد که در آن‌ها انسان غالباً در قالب نیروی تولید، مصرف‌کننده یا داده اقتصادی تعریف می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، چهار عرصه اصلی را مورد تأکید قرار می‌دهند: فکر، علم، زندگی و معنویت. در این چارچوب، پیشرفت علمی و فناوری باید همراه با تحول در سبک زندگی، ارتقای فرهنگ عمومی، عدالت و رشد معنوی جامعه باشد (مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۲، صص. ۳۲-۳۵). بر این اساس، فناوری هنگامی ارزشمند است که در خدمت حل مسائل واقعی جامعه، افزایش رفاه عمومی، تقویت استقلال کشور و ارتقای قدرت تمدنی قرار گیرد.

یکی دیگر از عناصر مهم پیشرفت در اندیشه ایشان، علم و فناوری به مثابه قدرت تمدنی است. ایشان تأکید می‌کنند که دستیابی به مرزهای دانش و تولید فناوری‌های پیشرفته، از الزامات اقتدار ملی در جهان معاصر است؛ زیرا وابستگی علمی و فناورانه می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی سیاسی و اقتصادی شود (مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۲، ص. ۴۵). این دیدگاه در عصر جامعه الگوریتمی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا هوش مصنوعی، داده‌های بزرگ و زیرساخت‌های دیجیتال به مؤلفه‌های جدید قدرت در نظام جهانی تبدیل شده‌اند.

از سوی دیگر، عدالت اجتماعی جایگاهی بنیادین در نظریه پیشرفت آیت‌الله خامنه‌ای دارد. ایشان معتقدند که پیشرفت بدون عدالت، پیشرفتی ناقص و فاقد مشروعیت اسلامی است. به همین دلیل، توزیع عادلانه فرصت‌ها، کاهش شکاف‌های اجتماعی، حمایت از محرومان و مردم‌سازی اقتصاد را از الزامات حرکت پیشرفت می‌دانند (قربی، ۱۳۹۹، صص. ۵۲-۵۴).

بر این اساس، می‌توان گفت پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (ره) بر منظومه‌ای از مؤلفه‌های عدالت، علم، استقلال، معنویت، مردم‌محوری و تمدن‌سازی استوار است. این چارچوب نظری ظرفیت بالایی برای بازاندیشی مفهوم پیشرفت در عصر جامعه الگوریتمی دارد؛ زیرا می‌تواند مبنایی برای پیوند میان فناوری‌های هوشمند، حکمرانی داده‌محور و ارزش‌های اسلامی فراهم آورد و الگویی ارائه دهد که در آن، فناوری در خدمت تعالی انسان و تحقق تمدن اسلامی قرار گیرد.

۴- جامعه الگوریتمی: گسترش هوش مصنوعی، کلان‌داده‌ها، یادگیری ماشین و سکوها دیجیتال، زمینه شکل‌گیری «جامعه الگوریتمی» را فراهم کرده است؛ جامعه‌ای که در آن الگوریتم‌ها از ابزارهای صرف محاسباتی فراتر رفته و به عوامل مؤثر در سازمان‌دهی روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شده‌اند (مرادی بهمنی، ۱۴۰۴، ص. ۸۳). در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری‌های فردی و نهادی به‌طور فزاینده تحت تأثیر تحلیل داده‌ها و نظام‌های هوشمند قرار می‌گیرد. از این رو، الگوریتم‌ها دیگر فناوری‌هایی خنثی نیستند، بلکه حامل منطق‌های اقتصادی، سیاسی و ارزشی‌اند و می‌توانند ساختارهای قدرت و شیوه‌های حکمرانی را بازآرایی کنند (Beer, 2017, pp. 3-5).

مفهوم جامعه الگوریتمی به وضعیتی اشاره دارد که در آن داده‌ها و الگوریتم‌ها به سازوکار اصلی شناخت، مدیریت و کنترل اجتماعی تبدیل می‌شوند. الگوریتم‌ها در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، آموزش، رسانه، سیاست‌گذاری و حتی شکل‌دهی به هویت فردی نقش تعیین‌کننده یافته‌اند و از طریق طبقه‌بندی، پیش‌بینی و اولویت‌بندی اطلاعات، بر ادراک افراد و فرایندهای تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند (Beer, 2017, p. 10). از این رو، جامعه الگوریتمی صرفاً مرحله‌ای از تحول فناوری نیست، بلکه بیانگر دگرگونی در رابطه میان انسان، دانش و قدرت است.

یکی از مفاهیم بنیادین این تحول، داده‌محوری^۱ است؛ فرایندی که در آن فعالیت‌ها و تعاملات انسانی به داده‌های قابل ذخیره و تحلیل تبدیل می‌شوند. داده‌ها به زیرساخت اصلی تصمیم‌گیری و سازمان‌دهی اجتماعی بدل شده و علاوه بر ایجاد فرصت‌هایی برای بهبود سیاست‌گذاری و خدمات عمومی، چالش‌هایی همچون مالکیت داده، حریم خصوصی، عدالت و استقلال انسان را نیز مطرح کرده‌اند (Van Dijck et al., 2018, pp. 34–36).

هوش مصنوعی^۲ نیز به عنوان مهم‌ترین پیشران جامعه الگوریتمی، با تحلیل حجم عظیم داده‌ها و ارائه پیش‌بینی‌های هوشمند، الگوهای تصمیم‌گیری را دگرگون ساخته است. فلوریدی تأکید می‌کند که هوش مصنوعی تنها یک فناوری فنی نیست، بلکه تحولی فلسفی و انسان‌شناختی است که درک ما از انسان، اطلاعات و واقعیت را تغییر می‌دهد؛ از این رو، مسئله اصلی نحوه تنظیم رابطه میان انسان و فناوری بر پایه اصول اخلاقی و ارزشی است (Floridi, 2014, pp. 43–47).

در کنار این تحولات، جامعه سکویی^۳ نیز پدید آمده است؛ فضایی که در آن سکوهای دیجیتال به زیرساخت اصلی ارتباطات، اقتصاد و حکمرانی تبدیل شده‌اند و از طریق کنترل داده‌ها و الگوریتم‌های رتبه‌بندی، جریان اطلاعات و مشارکت اجتماعی را هدایت می‌کنند (Van Dijck et al., 2018, pp. 11–15).

بر این اساس، جامعه الگوریتمی مفهوم پیشرفت را نیز دگرگون کرده است. در این عصر، پیشرفت تنها به رشد اقتصادی و فناوری محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم حکمرانی داده، عدالت الگوریتمی، استقلال فناورانه، اخلاق هوش مصنوعی و حفظ عاملیت انسان است. از منظر اندیشه اسلامی، فناوری‌های هوشمند باید نه به عنوان غایت توسعه، بلکه به عنوان ابزار تحقق کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و اهداف تمدنی مورد استفاده قرار گیرند.

۵- بازاندیشی مفهوم پیشرفت در عصر جامعه الگوریتمی: بازاندیشی مفهوم پیشرفت در عصر جامعه الگوریتمی مستلزم بازتعریف نسبت میان فناوری، انسان و ارزش‌هاست، نه صرفاً پذیرش یا رد فناوری‌های نوین. برخلاف برخی رویکردهای توسعه که پیشرفت را عمدتاً با رشد اقتصادی و توسعه فناوری می‌سنجند، اندیشه اسلامی پیشرفت را فرآیندی غایت‌مند می‌داند که علم و فناوری را در خدمت تعالی انسان، عدالت و جامعه مطلوب قرار می‌دهد. از این رو، در جامعه الگوریتمی، پیشرفت اسلامی مستلزم بهره‌گیری مسئولانه از هوش مصنوعی و داده‌محوری است؛ به گونه‌ای که کرامت، عاملیت و جایگاه انسان حفظ شود و فناوری به ابزاری برای تحقق اهداف انسانی و تمدنی تبدیل گردد.

در چارچوب نظری این پژوهش، پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی مفهومی چندبعدی و ارزش‌بنیاد است که بر پنج مؤلفه بنیادین استوار است. نخست، توحید و غایت‌مندی؛ بدین معنا که فناوری، هوش مصنوعی و توسعه باید در خدمت تعالی انسان، عدالت و خیر عمومی قرار گیرند و نه به غایت یا معیار نهایی پیشرفت تبدیل شوند. دوم، کرامت و عاملیت انسانی؛ انسان در اندیشه اسلامی موجودی صاحب اختیار، عقلانیت و مسئولیت اخلاقی است؛ از این رو، فناوری باید توانمندساز انسان باشد و نه جایگزین تصمیم و اختیار او.

سوم، عدالت الگوریتمی؛ در جامعه داده‌محور، طراحی و به کارگیری سامانه‌های هوشمند باید بر پایه عدالت، شفافیت، پاسخگویی، رفع تبعیض و دسترسی عادلانه به فناوری استوار باشد تا از بازتولید نابرابری‌های اجتماعی جلوگیری شود.

چهارم، حکمرانی هوشمند اسلامی؛ این مؤلفه بر مدیریت مسئولانه داده‌ها و الگوریتم‌ها، مشارکت عمومی، استقلال فناوریانه، امنیت داده و رعایت اصول اخلاقی در حکمرانی دیجیتال تأکید دارد و میان کارآمدی فناوری و ارزش‌های اسلامی تعادل برقرار می‌کند.

پنجم، تمدن‌سازی فناوریانه؛ فناوری در این چارچوب بخشی از ظرفیت تمدنی جامعه اسلامی است و باید در مسیر تولید دانش بومی، تقویت هویت فرهنگی، استقلال علمی و تحقق تمدن نوین اسلامی سامان یابد. بدین ترتیب، پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی، توسعه فناوری را با کرامت انسان، عدالت و اهداف تمدنی پیوند می‌دهد.

در پژوهش حاضر، مفاهیم «عدالت الگوریتمی اسلامی»، «حکمرانی هوشمند اسلامی» و «استقلال داده‌ای» صرفاً مفاهیم انتزاعی نیستند، بلکه به‌عنوان ابعاد عملیاتی پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی تبیین شده‌اند. عدالت الگوریتمی اسلامی به معنای طراحی و به‌کارگیری سامانه‌های هوشمند بر پایه عدالت، شفافیت، پاسخگویی و صیانت از کرامت انسان است. حکمرانی هوشمند اسلامی نیز بر مدیریت مسئولانه داده‌ها و الگوریتم‌ها، نظارت اخلاقی، مشارکت عمومی و رعایت حقوق شهروندان در فضای دیجیتال استوار است. همچنین استقلال داده‌ای به حاکمیت ملی بر داده‌ها، توسعه زیرساخت‌های بومی، امنیت اطلاعات و کاهش وابستگی فناوریانه اشاره دارد. این شاخص‌ها، ضمن حفظ ماهیت نظری پژوهش، ظرفیت تبدیل چارچوب مفهومی مقاله به مدل‌های ارزیابی و سیاست‌گذاری در پژوهش‌های آینده را فراهم می‌کنند.

بر این اساس، چارچوب مفهومی پیشنهادی پژوهش حاضر، پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی را نه جایگزین فناوری، بلکه نوعی «هدایت ارزشی فناوری» می‌داند. در این الگو، فناوری‌های هوشمند زمانی به پیشرفت واقعی منجر می‌شوند که در پیوند با عدالت، معنویت، استقلال، کرامت انسانی و اهداف تمدنی قرار گیرند؛ بنابراین، پیشرفت در عصر الگوریتمی را می‌توان فرآیندی دانست که در آن جامعه اسلامی با بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین، ضمن حفظ هویت و مبانی ارزشی خود، به سوی تحقق حکمرانی عادلانه، انسان‌محور و تمدن‌ساز حرکت می‌کند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش از تحلیل مضمون بازتابی بر اسناد اولیه و ثانویه شامل قرآن، نهج البلاغه، روایات، آثار امام خمینی (ره)، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و ادبیات جامعه الگوریتمی، هوش مصنوعی و حکمرانی دیجیتال به دست آمده است. هدف، شناسایی الگوهای معنایی پنهان و بازسازی چارچوب مفهومی پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی بود. بر اساس منطق براون و کلارک، داده‌ها پس از مطالعه، کدگذاری و بازبینی به مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تبدیل شدند و میان مبانی ثابت اندیشه اسلامی با اقتضائات متغیر عصر الگوریتمی ارتباط نظری برقرار شد.

نتایج تحلیل نشان داد که مفهوم پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب توسعه فناوریانه یا رشد اقتصادی تفسیر کرد، بلکه این مفهوم نیازمند یک بازتعریف چندبعدی است که در آن فناوری، داده و هوش مصنوعی در نسبت با ارزش‌های انسانی، اخلاقی، تمدنی و حکمرانی قرار می‌گیرند. در مجموع، ۴۸ کد اولیه استخراج شد که پس از تجمیع مفهومی، در قالب ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند.

جدول ۲: ساختار مضامین استخراج‌شده پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	نمونه مضامین پایه (کدهای اولیه)
---------------	---------------------	---------------------------------

پیشرفت انسان محور	انسان، کرامت، اختیار	کرامت انسانی، فطرت الهی، اختیار، مسئولیت انسان، تعالی انسان، انسان به مثابه غایت توسعه
پیشرفت عدالت محور	عدالت، امت، مسئولیت اجتماعی	عدالت اجتماعی، رفع تبعیض، عدالت داده‌ای، توزیع فرصت‌ها، حمایت از محرومان، خیر عمومی
پیشرفت اخلاق محور	اخلاق، معنویت، ارزش‌ها	تقوای فناوری، مسئولیت اخلاقی، حکمرانی ارزشی، حفظ حریم خصوصی، معنویت، پاسخگویی
پیشرفت فناوری هدايت شده	فناوری، دانش، عقلانیت	علم نافع، نوآوری، هوش مصنوعی، داده‌محوری، استقلال فناوریانه، تولید دانش
حکمرانی اسلامی	حکمرانی، استقلال، مشارکت	شفافیت، پاسخگویی، حکمرانی داده، مردم‌سالاری، امنیت شناختی، سیاست‌گذاری هوشمند
تمدن‌سازی	امت، هویت، آینده‌نگری	تمدن نوین اسلامی، قدرت نرم، هویت فرهنگی، آینده‌پژوهی، خودباوری، نقش جهانی اسلام

۱- مضامین پایه: در مرحله نخست تحلیل مضمون بازتابی، با مطالعه مکرر اسناد منتخب، ۴۸ کد اولیه از منابع پژوهش استخراج شد. این کدها از گزاره‌های صریح و ضمنی موجود در قرآن کریم، نهج البلاغه، روایات، صحیفه امام خمینی (ره)، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و ادبیات جامعه الگوریتمی به دست آمدند و سپس بر اساس شباهت معنایی در قالب مضامین پایه سازمان‌دهی شدند. برای افزایش شفافیت فرآیند تحلیل، جدول زیر چند نمونه از مسیر استخراج مضامین پایه از متون اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نمونه‌هایی از استخراج مضامین پایه از اسناد پژوهش

مضمون پایه استخراج شده	کد اولیه	متن یا گزاره منتخب (داده خام)
مضامین پایه استخراج شده	کد اولیه	متن یا گزاره منتخب (داده خام)
عمران و مسئولیت تمدنی انسان	مسئولیت انسان در آبادانی زمین	«هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱).
عدالت اجتماعی و اقامه قسط	عدالت هدف حکومت و جامعه	«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا ... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).
حکمرانی توسعه‌گرا و مردم‌محور	تقدم آبادانی بر درآمد حکومت	«باید اهتمام تو به آبادانی زمین بیش از گردآوری خراج باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه دشتی، ۱۳۸۴، ص. ۵۶۷).
استقلال علمی و فناوریانه	خودباوری و استقلال علمی	«استقلال فکری، فرهنگی و علمی شرط پیشرفت ملت است» (صحیفه امام، ج ۱۵، صص. ۲۰-۲۳).
پیشرفت تمدنی و ارزش‌محور	جامعیت مفهوم پیشرفت	«پیشرفت فقط رشد اقتصادی نیست؛ علم، عدالت، معنویت و عزت ملی را نیز شامل می‌شود» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۱/۱۴).

نمونه‌های فوق نشان می‌دهد که مضامین پایه مستقیماً از گزاره‌های کلیدی اسناد استخراج شده‌اند و محصول یک فرایند تفسیری نظام‌مند هستند. در تحلیل متون اسلامی، کدهایی مانند «خلافت انسانی»، «کرامت انسان»، «عدالت»، «علم»، «عمران زمین»، «مسئولیت اجتماعی» و «رشد معنوی» بیشترین فراوانی و تراکم معنایی را داشتند. برای نمونه، آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) مبنای استخراج کد «کرامت ذاتی انسان» و مضمون پایه «انسان‌محوری پیشرفت» قرار گرفت، در حالی که آیه «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴) به کد «علم به عنوان سرمایه پیشرفت» منتهی شد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص. ۳۴۷).

در اسناد مرتبط با امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (ره) نیز مضامین پایه‌ای همچون «استقلال»، «خودباوری»، «عدالت اجتماعی»، «علم بومی»، «مردم‌محوری» و «تمدن نوین اسلامی» استخراج شد. این مضامین نشان می‌دهند که پیشرفت در

اندیشه انقلاب اسلامی، صرفاً به رشد اقتصادی محدود نیست، بلکه با استقلال، عدالت، معنویت و مشارکت مردم پیوند دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، صص. ۲۰-۲۳؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

در تحلیل ادبیات جامعه الگوریتمی نیز کدهایی مانند «داده‌محورشدن»، «قدرت الگوریتمی»، «هوش مصنوعی»، «حکمرانی داده»، «عدالت الگوریتمی» و «امنیت شناختی» استخراج شد. این کدها بیانگر آن است که فناوری‌های هوشمند تنها ابزارهای فنی نیستند، بلکه در بازآرایی قدرت، تصمیم‌گیری و حکمرانی نقش دارند (Beer, 2017, pp. 5-8). در مجموع، مقایسه کدهای استخراج‌شده از منابع اسلامی و ادبیات جامعه الگوریتمی نشان داد که مفاهیمی همچون عدالت، علم، حکمرانی، کرامت انسان و استقلال، قابلیت بازتفسیر در فضای جامعه الگوریتمی را دارند و مبنای شکل‌گیری مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر پژوهش قرار گرفته‌اند.

۲- مضامین سازمان‌دهنده: پس از بررسی و ترکیب کدهای اولیه، ۹ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد که هرکدام مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط را در یک سطح بالاتر سامان می‌دهند. نخستین مضمون سازمان‌دهنده، انسان است. تحلیل منابع نشان داد که انسان در اندیشه اسلامی نقطه آغاز و مقصد نهایی پیشرفت محسوب می‌شود. برخلاف رویکردهای فناورانه‌ای که گاه انسان را به مجموعه‌ای از داده‌های قابل پردازش تقلیل می‌دهند، اندیشه اسلامی بر کرامت، اختیار و مسئولیت انسان تأکید دارد؛ بنابراین، هر الگوی پیشرفت در عصر هوش مصنوعی باید فناوری را در خدمت شکوفایی انسان قرار دهد، نه انسان را تابع منطق الگوریتمی کند. دومین مضمون، دانش و عقلانیت است. در منابع اسلامی، علم یکی از پایه‌های اصلی تعالی اجتماعی معرفی شده است. در جامعه الگوریتمی نیز دانش و توانایی پردازش اطلاعات به مهم‌ترین منابع قدرت تبدیل شده‌اند. باین حال، تحلیل مضمون نشان داد که علم در چارچوب اسلامی زمانی ارزشمند است که با حکمت، اخلاق و جهت‌گیری انسانی همراه باشد. سومین مضمون، عدالت است. عدالت در تمامی منابع بررسی‌شده به عنوان شرط بنیادین پیشرفت ظاهر شد. در عصر الگوریتمی، این مفهوم به حوزه‌های جدیدی مانند عدالت داده‌ای، دسترسی برابر به فناوری و جلوگیری از تبعیض الگوریتمی گسترش می‌یابد.

چهارمین مضمون، فناوری است. یافته‌ها نشان دادند که فناوری در اندیشه اسلامی امری خنثی نیست، بلکه باید در چارچوب اهداف انسانی و اجتماعی هدایت شود؛ بنابراین، هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال زمانی به پیشرفت منجر می‌شوند که در خدمت عدالت، استقلال و رفاه عمومی قرار گیرند.

پنجمین مضمون، اخلاق است. داده‌ها نشان دادند که مهم‌ترین تفاوت پیشرفت اسلامی با رویکردهای صرفاً فناورانه، حضور عنصر اخلاق و معنویت است. مسائلی مانند حریم خصوصی، مسئولیت‌پذیری الگوریتم‌ها و کنترل قدرت فناورانه بدون چارچوب اخلاقی قابل مدیریت نیستند.

ششمین مضمون، حکمرانی است. در جامعه الگوریتمی، قدرت از دولت‌ها و نهادهای سنتی به سمت بازیگران داده‌ای و پلتفرم‌های فناوری نیز گسترش یافته است. از این رو، حکمرانی هوشمند اسلامی باید بتواند میان کارآمدی فناوری و اصولی مانند عدالت، مشارکت و استقلال تعادل ایجاد کند.

هفتمین مضمون، استقلال است که در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. در عصر دیجیتال، استقلال علاوه بر ابعاد سیاسی و اقتصادی، شامل استقلال داده‌ای، فناوریانه و الگوریتمی نیز می‌شود.

هشتمین مضمون، امت و هویت جمعی است که بیانگر بعد اجتماعی و تمدنی پیشرفت اسلامی است. پیشرفت اسلامی صرفاً توسعه فردی یا ملی نیست، بلکه در افق امت اسلامی و نقش تمدنی آن معنا پیدا می‌کند.

نهمین مضمون، عقلانیت است که پیونددهنده ارزش‌های دینی و فناوری‌های نوین محسوب می‌شود. یافته‌ها نشان دادند که پیشرفت اسلامی در عصر الگوریتمی نیازمند ترکیب عقلانیت علمی، اخلاقی و معنوی است.

۳- مضامین فراگیر: در مرحله نهایی تحلیل مضمون بازتابی، شش مضمون فراگیر به عنوان ابعاد اصلی مفهوم «پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی» استخراج شدند. این مضامین نشان می‌دهند که پیشرفت در این دوره، منظومه‌ای انسانی، ارزشی، نهادی و تمدنی است و نه صرفاً فرآیندی فناوریانه. بر اساس یافته‌ها، تحقق پیشرفت اسلامی در جامعه الگوریتمی مستلزم هدایت فناوری‌های نوین در چارچوب غایات انسانی، عدالت، اخلاق و حکمرانی مطلوب است.

مضمون فراگیر اول؛ پیشرفت انسان‌محور: انسان در منابع اسلامی نقطه آغاز و مقصد نهایی پیشرفت محسوب می‌شود. قرآن بر کرامت ذاتی، اختیار و مسئولیت انسان تأکید دارد (اسراء: ۷۰)؛ بنابراین، پیشرفت نه با افزایش قدرت اقتصادی، بلکه با میزان توانمندسازی و رشد مادی و معنوی انسان سنجیده می‌شود. امام خمینی (ره) نیز هدف حکومت را تربیت انسان صالح می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص. ۲۵۵). در عصر الگوریتمی، این نگاه در برابر تقلیل انسان به داده، بر حفظ عاملیت انسانی تأکید دارد.

مضمون فراگیر دوم؛ پیشرفت عدالت‌محور: عدالت از مفاهیم پایدار در اسلام است. قرآن، عدالت را هدف بعثت (حدید: ۲۵) و نهج‌البلاغه آن را شرط آبادانی و مشروعیت حکومت می‌داند (نامه ۵۳). در جامعه الگوریتمی، عدالت الگوریتمی شامل شفافیت، دسترسی برابر و جلوگیری از تمرکز قدرت داده‌ای است. آیت الله خامنه‌ای نیز پیشرفت بدون عدالت را ناقص می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص. ۵۲).

مضمون فراگیر سوم؛ پیشرفت اخلاق‌محور: تمایز الگوی اسلامی، حضور اخلاق و معنویت است. علم و فناوری به خودی خود ارزش ندارند و باید در خدمت خیر انسانی و سعادت جامعه باشند. در عصر هوش مصنوعی، مسائلی چون حریم خصوصی و مسئولیت الگوریتمی نیازمند چارچوب اخلاقی جدید است (Floridi, 2014, pp. 43-47) که بر مسئولیت‌پذیری، عدالت و کرامت انسانی استوار باشد.

مضمون فراگیر چهارم؛ پیشرفت فناوریانه هدایت‌شده: اندیشه اسلامی با فناوری مخالف نیست، بلکه بر جهت‌دهی و حکمرانی بر آن تأکید دارد. آیت الله خامنه‌ای علم و فناوری را مؤلفه قدرت تمدنی و شرط استقلال می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). از این منظر، هوش مصنوعی ابزاری برای حل مسائل اجتماعی و ارتقای ظرفیت‌های تمدنی است.

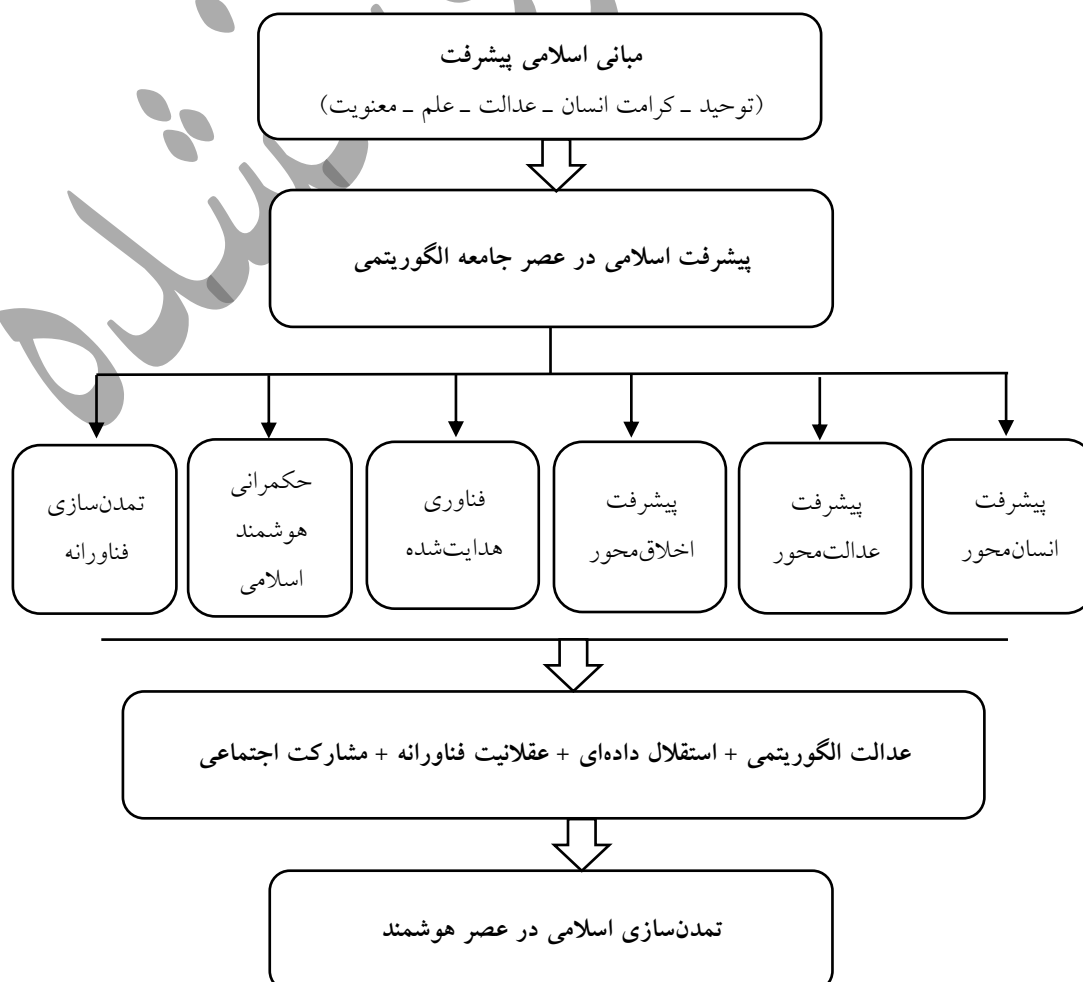
مضمون فراگیر پنجم؛ حکمرانی هوشمند اسلامی: ظهور جامعه الگوریتمی، سازوکارهای قدرت را دگرگون ساخته است. حکمرانی هوشمند اسلامی بر چهار اصل شفافیت الگوریتمی، پاسخگویی نهادی، مشارکت اجتماعی و استقلال داده‌ای استوار است و فناوری را در خدمت کارآمدی و عدالت قرار می‌دهد.

مضمون فراگیر ششم: تمدن‌سازی: پیشرفت اسلامی افقی تمدنی دارد. تمدن نوین اسلامی الگویی برای جمع علم، اخلاق، عدالت و معنویت است. در عصر الگوریتمی، تمدن‌سازی نیازمند حضور فعال در فناوری‌های راهبردی و مشارکت در نظم دیجیتال جهانی، همراه با حفظ هویت و مبانی ارزشی است.

جدول ۴: ابعاد و شاخص‌های عملیاتی شش‌گانه پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی

بعد پیشرفت اسلامی	شاخص‌های عملیاتی
پیشرفت انسان‌محور	حفظ کرامت انسانی، تقویت عاملیت انسان، ارتقای سواد هوش مصنوعی، صیانت از حریم خصوصی، توانمندسازی شهروندان در فضای دیجیتال.
پیشرفت عدالت‌محور	عدالت الگوریتمی، دسترسی عادلانه به فناوری، شفافیت تصمیم‌های داده‌محور، پاسخگویی سامانه‌های هوشمند، کاهش تبعیض دیجیتال.
پیشرفت اخلاق‌محور	رعایت اصول اخلاق اسلامی در طراحی هوش مصنوعی، مسئولیت‌پذیری الگوریتم‌ها، امانت‌داری داده‌ها، حفظ حریم خصوصی و جلوگیری از آسیب‌های شناختی.
پیشرفت فناوری هدایت‌شده	توسعه فناوری در خدمت عدالت و کرامت انسان، استقلال فناوریانه، تولید دانش بومی، توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی بومی و ارزیابی اخلاقی فناوری.
حکمرانی هوشمند اسلامی	حاکمیت داده، سیاست‌گذاری مسئولانه هوش مصنوعی، مشارکت عمومی، نظارت اخلاقی و حقوقی بر الگوریتم‌ها، امنیت داده و امنیت شناختی.
تمدن‌سازی	تقویت سرمایه علمی و فرهنگی، استقلال داده‌ای و فناوریانه، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، گسترش فرهنگ اسلامی در فضای دیجیتال و ارتقای قدرت نرم تمدنی.

۴- طراحی مدل مفهومی پژوهش: بر اساس یافته‌های تحلیل مضمون، مدل مفهومی پژوهش با عنوان «الگوی پیشرفت اسلامی انسان‌محور در جامعه الگوریتمی» طراحی شد. این مدل نشان می‌دهد که پیشرفت اسلامی در عصر هوشمند، حاصل تعامل میان مبانی ارزشی اسلام، ظرفیت‌های فناوری و سازوکارهای حکمرانی است.



نمودار ۱: الگوی پیشرفت اسلامی انسان محور در جامعه الگوریتمی

مدل پیشنهادی بیانگر آن است که فناوری و هوش مصنوعی به تنهایی عامل پیشرفت نیستند، بلکه زمانی به پیشرفت منجر می‌شوند که در یک منظومه ارزشی قرار گیرند. در این مدل، مبانی اسلامی پیشرفت نقش بنیادین دارند و پنج مسیر اصلی شامل انسان محوری، عدالت محوری، اخلاق محوری، فناوری هدایت شده و حکمرانی هوشمند، فرآیند تبدیل فناوری به ظرفیت تمدنی را شکل می‌دهند. خروجی نهایی این فرآیند، تحقق نوعی «تمدن سازی هوشمند اسلامی» است که در آن فناوری نه جایگزین انسان، بلکه ابزار تعالی فرد و جامعه خواهد بود.

بحث و تحلیل

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی، برخلاف رویکردهای رایج توسعه در علوم اجتماعی مدرن، صرفاً به افزایش شاخص‌های اقتصادی، رشد فناوری یا انباشت سرمایه محدود نمی‌شود، بلکه مفهومی چندبعدی و غایت محور است که انسان، عدالت، اخلاق، علم و تمدن را به صورت یک منظومه منسجم دربرمی‌گیرد. تحلیل مضامین استخراج شده نشان داد که پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی نیازمند بازتعریف رابطه میان انسان، فناوری و ارزش‌های اجتماعی است؛ زیرا ظهور هوش مصنوعی، داده محوری و سکوه‌های دیجیتال، شرایط جدیدی را ایجاد کرده که در آن، معیارهای سنتی توسعه دیگر پاسخگوی تمامی ابعاد تحول اجتماعی نیستند.

نتایج این پژوهش با مطالعات داخلی درباره الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هم‌راستا است؛ پژوهش‌های توسعه اسلامی نیز بر ابتدای این الگو بر مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌های دینی و عدم تقلید از غرب تأکید دارند. شاکرین و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند این الگو باید از مبانی معرفتی اسلام استخراج شود و ضمن توجه به علم و فناوری، تعالی انسان و عدالت را غایت خود قرار دهد. یافته‌های حاضر این دیدگاه را تأیید می‌کند، اما با افزودن متغیر «جامعه الگوریتمی» نشان می‌دهد پیشرفت اسلامی معاصر علاوه بر مسائل سنتی توسعه، با چالش‌هایی مانند حکمرانی داده، استقلال فناورانه و عدالت الگوریتمی نیز مواجه است.

تفاوت بنیادین پیشرفت اسلامی با توسعه غربی در مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی آن‌هاست. در نظریه‌های توسعه مدرن، توسعه عمدتاً با عقلانیت ابزاری، صنعتی شدن و رشد اقتصادی تعریف می‌شود و انسان کنشگری اقتصادی با هدف افزایش رفاه مادی است. در مقابل، اندیشه اسلامی انسان را دارای کرامت الهی، اختیار و مسئولیت اخلاقی می‌داند و توسعه را زمانی مطلوب می‌شمارد که به رشد همه‌جانبه انسان بینجامد. به تعبیر امام خمینی (ره)، هدف نهایی نظام اسلامی «ساختن انسان» است و اقتصاد، سیاست و فناوری باید در خدمت این هدف قرار گیرند.

از منظر اندیشه اسلامی، تفاوت دیگر در نسبت میان ابزار و غایت است. در الگوهای توسعه فناورانه، فناوری گاه به هدف نهایی تبدیل می‌شود و موفقیت جوامع با میزان دسترسی آن‌ها به فناوری‌های پیشرفته سنجیده می‌شود؛ اما در اندیشه اسلامی، فناوری ابزار تحقق اهداف انسانی و اجتماعی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش مصنوعی و فناوری‌های الگوریتمی تنها زمانی می‌توانند در مسیر پیشرفت قرار گیرند که با عدالت، اخلاق و حکمرانی مطلوب همراه شوند. این یافته با دیدگاه

فلوریدی (Floridi, 2014) همخوان است که فناوری‌های اطلاعاتی را صرفاً ابزارهای فنی نمی‌داند، بلکه آن‌ها را پدیده‌هایی می‌داند که بر معنا، هویت و واقعیت اجتماعی انسان اثر می‌گذارند.

مقایسه یافته‌های پژوهش با مطالعات خارجی نیز نشان‌دهنده اهمیت روزافزون مفهوم جامعه الگوریتمی در بازانديشی توسعه است. بیر (Beer, 2017) نشان می‌دهد که الگوریتم‌ها به دلیل توانایی در دسته‌بندی، پیش‌بینی و اولویت‌بندی اطلاعات، به نوعی قدرت اجتماعی تبدیل شده‌اند. همچنین ون‌دایک و همکاران (Van Dijck et al., 2018) تأکید می‌کنند که سکوهاي دیجیتال نه تنها ابزارهای ارتباطی، بلکه زیرساخت‌های جدید سازمان‌دهی اجتماعی هستند. یافته‌های این پژوهش ضمن تأیید این دیدگاه‌ها، استدلال می‌کند که در جوامعی با مبانی ارزشی اسلامی، مسئله اصلی صرفاً مدیریت فناوری نیست، بلکه تعیین چارچوب هدایتی و اخلاقی فناوری است.

جامعه الگوریتمی الزامات جدیدی برای مفهوم پیشرفت ایجاد کرده است؛ زیرا قدرت در این جامعه فقط در اختیار نهادهای سیاسی و اقتصادی سنتی نیست، بلکه در اختیار صاحبان داده، توسعه‌دهندگان الگوریتم‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال نیز قرار گرفته است؛ بنابراین، مفهوم استقلال که در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (ره) یکی از مؤلفه‌های اصلی پیشرفت محسوب می‌شود، در عصر جدید ابعاد تازه‌ای یافته و شامل استقلال داده‌ای، استقلال زیرساختی و استقلال فناورانه نیز می‌شود. همان‌گونه که وابستگی اقتصادی و سیاسی می‌تواند مانع پیشرفت باشد، وابستگی به زیرساخت‌های دیجیتال و الگوریتم‌های خارجی نیز می‌تواند نوع جدیدی از وابستگی ایجاد کند.

همچنین یافته‌ها نشان داد که عدالت در عصر الگوریتمی نیازمند بازتعریف است. در گذشته، عدالت بیشتر در حوزه توزیع منابع اقتصادی و فرصت‌های اجتماعی مطرح می‌شد، اما در جامعه هوشمند، عدالت شامل دسترسی برابر به فناوری، جلوگیری از تبعیض الگوریتمی، شفافیت تصمیم‌های هوشمند و پاسخگویی صاحبان فناوری نیز می‌شود. از این منظر، «عدالت الگوریتمی» می‌تواند امتداد مفهوم عدالت در اندیشه اسلامی باشد؛ زیرا هدف آن جلوگیری از سلطه و تبعیض و حفظ حقوق انسان‌ها در محیط دیجیتال است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، بازانديشی مفهوم پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی نیازمند ترکیب سه سطح اساسی است: سطح ارزشی که شامل توحید، کرامت، عدالت و اخلاق است؛ سطح فناورانه که شامل علم، هوش مصنوعی، داده و نوآوری است؛ و سطح نهادی که شامل حکمرانی هوشمند، سیاست‌گذاری و استقلال فناورانه است. ترکیب این سه سطح، امکان شکل‌گیری الگویی از پیشرفت را فراهم می‌کند که نه در برابر فناوری قرار می‌گیرد و نه تسلیم منطق صرفاً فناورانه می‌شود، بلکه فناوری را در مسیر اهداف انسانی و تمدنی هدایت می‌کند.

جدول ۵: مقایسه پارادایم‌های پیشرفت اسلامی و رویکردهای توسعه در عصر جامعه الگوریتمی

محور مقایسه	پیشرفت در اندیشه اسلامی	رویکردهای توسعه معاصر
مبنای انسان‌شناختی	انسان دارای کرامت، مسئولیت و غایت الهی.	طیفی از انسان اقتصادی تا انسان توانمند و دارای قابلیت‌ها (رویکردهای توسعه انسانی و قابلیت‌ها).
غایت پیشرفت/توسعه	تعالی انسان، عدالت، آبادانی و تمدن‌سازی.	رشد اقتصادی، رفاه، توسعه انسانی، پایداری یا آزادی؛ بسته به رویکرد نظری.

جایگاه فناوری	فناوری ابزار تحقق ارزش های الهی و عدالت اجتماعی است.	فناوری یکی از پیشران های توسعه؛ در برخی رویکردها بر حکمرانی و اخلاق فناوری نیز تأکید می شود.
عدالت	اصل بنیادین و غایت حکمرانی و پیشرفت.	در رویکردهای مختلف، از عدالت توزیعی تا عدالت اجتماعی و عدالت دیجیتال مورد توجه قرار می گیرد.
حکمرانی	حکمرانی مسئولانه، مردم پایه و ارزش محور.	حکمرانی خوب، حکمرانی دیجیتال و حکمرانی داده در رویکردهای جدید توسعه مطرح است.
هوش مصنوعی و جامعه الگوریتمی	تأکید بر هدایت اخلاقی، کرامت انسان، استقلال داده ای و عدالت الگوریتمی.	تأکید بر تنظیم گری، شفافیت، پاسخگویی و کاهش سوگیری الگوریتم ها در ادبیات حکمرانی هوش مصنوعی.

بر این اساس، نوآوری نظری پژوهش حاضر در آن است که مفهوم پیشرفت اسلامی را از سطح بحث های سنتی توسعه فراتر برده و آن را در مواجهه با یکی از مهم ترین تحولات عصر جدید، یعنی جامعه الگوریتمی، بازتعریف می کند. این بازتعریف نشان می دهد که آینده پیشرفت اسلامی نه در نفی فناوری، بلکه در توانایی هدایت اخلاقی، انسانی و تمدنی فناوری های هوشمند قرار دارد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بازاندیشی مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی انجام شد و تلاش کرد با بهره گیری از روش تحلیل مضمون بازتابی، نسبت میان مبانی اسلامی پیشرفت و تحولات ناشی از فناوری های هوشمند، هوش مصنوعی، داده محوری و سکوی های دیجیتال را تبیین کند. مسئله اصلی پژوهش این بود که مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی در شرایط جدید جامعه الگوریتمی چگونه می تواند بازتعریف شود و چه مؤلفه هایی باید در یک الگوی جدید پیشرفت مورد توجه قرار گیرد. یافته های پژوهش نشان داد که پاسخ به این مسئله نیازمند عبور از برداشت های تقلیل گرایانه درباره توسعه است؛ زیرا پیشرفت اسلامی نه صرفاً به معنای رشد اقتصادی، افزایش بهره وری یا توسعه فناوریانه، بلکه فرآیندی چندبعدی و غایت محور است که در آن انسان، عدالت، اخلاق، علم، حکمرانی و تمدن در یک منظومه به هم پیوسته قرار می گیرند.

بر اساس یافته های تحلیل مضمون، شش مضمون فراگیر شامل «پیشرفت انسان محور»، «پیشرفت عدالت محور»، «پیشرفت اخلاق محور»، «پیشرفت فناوریانه هدایت شده»، «حکمرانی هوشمند اسلامی» و «تمدن سازی» به عنوان ابعاد اصلی پیشرفت اسلامی در عصر الگوریتمی شناسایی شدند. این یافته ها نشان داد که تفاوت بنیادین پیشرفت اسلامی با الگوهای غالب توسعه غربی، در تفاوت مبانی انسان شناختی و غایت شناختی آن ها است. در حالی که بسیاری از رویکردهای توسعه مدرن، پیشرفت را بر اساس شاخص هایی مانند رشد اقتصادی، صنعتی شدن و توان فناوریانه ارزیابی می کنند، اندیشه اسلامی پیشرفت را در چارچوب تعالی انسان، تحقق عدالت و حرکت جامعه به سوی کمال مادی و معنوی تعریف می کند. در این چارچوب، فناوری و هوش مصنوعی نه هدف نهایی، بلکه ابزارهایی برای تحقق اهداف انسانی و تمدنی هستند.

پاسخ به سؤال اصلی پژوهش نشان می دهد که مفهوم پیشرفت اسلامی در عصر جامعه الگوریتمی باید به عنوان «فرآیند هدایت ارزشی فناوری برای تحقق تعالی انسانی، عدالت اجتماعی و تمدن سازی اسلامی» بازتعریف شود. به بیان دیگر، جامعه الگوریتمی الزامات جدیدی را برای پیشرفت ایجاد کرده است؛ زیرا قدرت، دانش و تصمیم گیری در این عصر به شدت تحت تأثیر داده ها، الگوریتم ها و زیرساخت های دیجیتال قرار گرفته اند. از این رو، مفاهیمی مانند استقلال، عدالت و حکمرانی نیز

نیازمند بازخوانی هستند. استقلال در این دوره تنها استقلال سیاسی و اقتصادی نیست، بلکه استقلال فناورانه، داده‌ای و الگوریتمی را نیز شامل می‌شود؛ عدالت نیز علاوه بر توزیع منابع، به عدالت داده‌ای و الگوریتمی گسترش می‌یابد.

نوآوری اصلی پژوهش حاضر در سه سطح قابل مشاهده است. نخست، این پژوهش مفهوم پیشرفت اسلامی را از چارچوب‌های سنتی توسعه خارج کرده و آن را با یکی از مهم‌ترین تحولات عصر جدید، یعنی جامعه الگوریتمی، پیوند داده است. دوم، با تلفیق مبانی اندیشه اسلامی، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای با ادبیات جدید فناوری، چارچوب مفهومی جدیدی برای فهم پیشرفت ارائه کرده است. سوم، مفهوم «پیشرفت فناورانه هدایت‌شده» و «حکمرانی هوشمند اسلامی» را به عنوان حلقه واسط میان ارزش‌های اسلامی و فناوری‌های نوین معرفی کرده است.

از منظر نظری، یافته‌های پژوهش می‌تواند به توسعه ادبیات مطالعات توسعه اسلامی کمک کند؛ زیرا نشان می‌دهد که الگوی پیشرفت اسلامی در مواجهه با فناوری‌های نوظهور، نه رویکردی نفی‌گرایانه نسبت به فناوری دارد و نه آن را به صورت مطلق می‌پذیرد، بلکه بر ضرورت جهت‌دهی ارزشی فناوری تأکید می‌کند. همچنین این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای میان جامعه‌شناسی توسعه، مطالعات اسلامی، فلسفه فناوری و مطالعات هوش مصنوعی فراهم آورد.

از منظر سیاستی، نتایج پژوهش بر ضرورت تدوین سیاست‌های جامع در حوزه حکمرانی هوشمند اسلامی تأکید دارد. سیاست‌گذاری در عصر الگوریتمی باید علاوه بر توسعه زیرساخت‌های فناورانه، موضوعاتی مانند اخلاق هوش مصنوعی، مالکیت و امنیت داده، عدالت دسترسی به فناوری، تربیت نیروی انسانی متخصص و استقلال فناورانه را مورد توجه قرار دهد. همچنین نهادهای آموزشی، پژوهشی و حکمرانی باید به سمت تولید دانش بومی در حوزه فناوری‌های هوشمند حرکت کنند تا جامعه اسلامی بتواند نقش فعال‌تری در شکل‌دهی به نظم دیجیتال آینده ایفا کند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). شرح نهج‌البلاغه. ج ۱۷. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۷ق). سنن ابن‌ماجه. ج ۱. بیروت: دارالفکر.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلدهای مختلف). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ج ۱۲. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی، سید علی و همکاران (۱۴۰۲). «تحلیل مضمون نظریه پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای زیدعزه و مرزهای آن با نظریه‌های توسعه». فصلنامه دین و ارتباطات، ۳۰ (۱)، ۲۳۹-۲۸۴. https://rc.isu.ac.ir/article_76787.html
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). فیش‌های الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1001>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- خلیلیان، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۲). «مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام». فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۴ (۲)، ۷۷-۱۰۲. <https://marefateeqtasadi.nashriyat.ir/node/95>

- دانایی فرد، حسن و همکاران (۱۳۹۳). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار.
- سهرابی، شهلا و همکاران (۱۴۰۳). «الگوی حکمرانی هوشمند در وضعیت بحران با تأکید بر مدیریت شهری در راستای سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۲ (۴۶)، ۲۳۴-۲۶۲. https://www.jmsp.ir/article_182359.html
- شاكرين، حميدرضا و همكاران (۱۳۹۹). مبانی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت. ج ۱ و ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عصاره نژاد دزفولی، سینا (۱۳۹۸). «مبانی توسعه و پیشرفت از منظر قرآن و نهج‌البلاغه؛ شاخصه‌ها و اهداف». چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی، اصفهان، <https://civilica.com/doc/928370>
- عطارزاده، مجتبی (۱۴۰۲). «انقلاب اسلامی؛ تحقق الگوی اسلامی پیشرفت در همبستگی مبتنی بر عدالت». فصلنامه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۱ (۴)، ۱۰۷-۱۳۶. https://www.irsjournal.ir/article_197299.html
- قاضی میرسعید، سید علیرضا و تاج آبادی، حسین (۱۳۹۵). «مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)». فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۴ (۳)، ۱۴۷-۱۶۹. https://im.ihu.ac.ir/article_201870.html
- قربی، محمدجواد (۱۳۹۹). مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفته از منظر امام خامنه‌ای (دام‌ظله). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالأنوار. ج ۱۰۳، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمودی کیا، محمد (۱۴۰۱). «نظریه‌ای برای فهم چرایی و چگونگی تحقق الگوی اسلامی ایرانی از «حکمرانی مطلوب»». فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۰ (۲)، ۶۵-۸۶. https://www.ipoba.ir/article_152039.html
- مرادی بهمنی، علی (۱۴۰۴). «فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی هوشمند در ایران با تأکید بر تحول دیجیتال». دومین همایش بین‌المللی حکمرانی و کشورداری در ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/2650440>
- مرادی بهمنی، علی (۱۴۰۴). جامعه الگوریتمی؛ بازاندیشی انسان و هوش در عصر هوشمند. تهران: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
- مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا (۱۳۹۲). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). تهران: انقلاب اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. ج ۲، تهران: صدرا.
- Beer, D. (2017). The social power of algorithms. **Information, Communication & Society**, 20(1), 1–13. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2016.1216147>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. **Qualitative Research in Psychology**, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Braun, V., & Clarke, V. (2021). One size fits all? What counts as quality practice in (reflexive) thematic analysis? **Qualitative Research in Psychology**, 18(3), 328–352. <https://doi.org/10.1080/14780887.2020.1769238>
- Castells, M. (2010). **The Rise of the Network Society** (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). **Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches** (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Floridi, L. (2014). **The Fourth Revolution: How the Infosphere Is Reshaping Human Reality**. Oxford: Oxford University Press.
- Goertz, G. (2006). **Social Science Concepts: A User's Guide**. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). **Naturalistic Inquiry**. Beverly Hills, CA: Sage Publications.

- Patton, M. Q. (2015). **Qualitative Research & Evaluation Methods: Integrating Theory and Practice** (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Van Dijck, J., Poell, T., & de Waal, M. (2018). **The Platform Society: Public Values in a Connective World**. Oxford: Oxford University Press.
- Zuboff, S. (2019). **The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power**. New York: PublicAffairs.

ویدئو اسنادی نشده